

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بررسی تحلیلی

مبانی نظام جمهوری اسلامی

(بسته تخصصی امتحان جامع دکتری حقوق عمومی)

شامل:

- درسنامه کاربردی
- تحلیل کاربردی (جهت امتحان جامع)
- خلاصه جزوات و مقالات

به کوشش:

ابوالقاسم شم آبادی

فهرست مختصر مطالب

۵ سخنی با دانشجویان دکتری
۷ بخش اول: درسنامه کاربردی (تحلیل مبانی‌ها)
۱۵۹ بخش دوم: خلاصه جزوات و مقالات اساتید
۲۹۹ بخش سوم: ضمائم

سخنی با دانشجویان دکتری

سرفصل‌های امتحان جامع برای دانشجویان دکتری حقوق عمومی، عموماً شامل ۳ درس ذیل است؛

- متون پیشرفته حقوقی؛
- بررسی تحلیلی مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران؛
- بررسی تحلیلی مکاتب فلسفی و کلامی در حقوق عمومی می‌باشد. (البته ممکن است در برخی دانشگاه‌ها متون

تحلیلی دیوان نیز به عنوان یکی از سرفصل‌های امتحان جامع دکتری حقوق عمومی جایگزین و یا اضافه گردد.)

این جزوه کاربردی عمدتاً ناظر بر درس مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و در پی این است که رفرنسی مورد اعتماد و کاربردی برای این سرفصل (بررسی تحلیلی مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران) جهت امتحان جامع ارائه دهد. از این رو در این وجیزه، مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی که مبتنی بر اصول قانون اساسی و بر مبنای آموزه‌های فقه شیعه (مانند ولایت فقیه) بوده، تحلیل شده و مخصوصاً با رویکرد کاربردی (یعنی جهت امتحان جامع) تالیف شده است.

البته برای این سرفصل، دانشجویان عموماً مشکلی ندارند و می‌توانند مطالبی را که در طول سنوات مختلف آموزشی و یا مطالعاتی یاد گرفته‌اند؛ در پاسخ به سوالات اساتید پرسش گر ارائه دهند؛ لذا لازم است؛ مباحث مبنایی و اصول کلی که در نظام جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار گرفته، یاد گرفته شود؛ چرا که در نتیجه عدم دقت در مبنایی، ممکن است؛ داوطلبان در امتحان جامع حقوق عمومی نمره مناسبی کسب ننمایند و این موضوع، باعث لطمه به دانشجویان شود؛ مخصوصاً اینکه هر ترم ما شاهد، دانشجویانی هستیم که به دلیل ضعف در متون حقوقی و یا سایر سرفصل‌های امتحان جامع نمره لازم را در امتحان جامع کسب نکرده‌اند؛ از این رو لازم است دانشجویان برای امتحان جامع فرصت کافی گذاشته و قسمتی از زمان‌های آزاد خود را به مطالعه اختصاص دهند. با توجه به مطالبی که بیان شد؛ جزوه‌ای که ارائه شده، بررسی تحلیلی مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران نام داشته و از چند بخش تشکیل شده است:

- **درسنامه کاربردی**

- **تحلیل کاربردی**

- **خلاصه مقالات و جزوات**

اما برای یادگیری مطالب بخش‌های فوق بهترین کار چیست؟ برای یادگیری موارد فوق، پیشنهاد می‌شود؛ دانشجویان معزز در هر روز یک مبحث از مباحث مبنایی و نظرات مختلف و یا اصول کلی که در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران طرح شده، مورد مطالعه قرار دهند و در روزهای بعد، مباحثی که قبلاً مطالعه داشته‌اند؛ مورد مرور و تکرار قرار دهند تا بر مباحث مسلط شوند؛ البته دانشجویان در جریان این نکته هستند که مباحث حقوق عمومی به دلیل فرار بودن، ممکن است بعد از چند روز به فراموشی سپرده شود؛ لذا پیشنهاد می‌شود در یک جزوه‌ای مجزا، دیدگاه هر یک از نظریه پردازان را به طور خلاصه در چند جمله یادداشت نمایند و به طور مرتب، آن را مطالعه نمایند. مسلماً رمز موفقیت در امتحان جامع، یکی دقت و تمرکز در لحظات مطالعه و دیگری، مطالعه و مرور مستمر می‌باشد!

در پایان هرچند در تألیف این وجیزه، عالی‌ترین حد دقت به کار گرفته شده که این وجیزه به‌عنوان رفرنس اصلی در مطالعه دانشجویان دکتری حقوق عمومی قرار گیرد یک خواسته هم داریم مبنی بر اینکه اگر احیاناً اشتباهی و یا لغزشی در ارائه صحیح مطالب صورت گرفته (کما اینکه بدون نقص تنها ایزد باری تعالی است) در هنگام مطالعه علامت زده و به اطلاع نویسنده از طریق آی دی تلگرام و یا ایمیل زیر^۱ برسانید. مسلماً کمک شما است که محتوای جزوه را غنی‌تر و پخته‌تر می‌کند.

ابوالقاسم شم آبادی

بخش اول:
درسنامه کاربردی
(تحلیل مبانیها)

مفهوم سر فصل مبانی نظام:

مبانی نظام به مفهوم شناخت دقیق و تحلیل مبانی و ابعاد یک نظام سیاسی و دیدگاه‌های گوناگون در این زمینه است؛ در این خصوص تئوری پردازان حقوق عمومی با استفاده از مباحث و اصول کلی نظام، برای شناخت پایه‌ها و مبانی نظام سیاسی بهره می‌گیرند و تحلیل حقوقی خود را از مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهند. در این راستا، حقوق عمومی بخش عمده‌ای از مباحث خود را به تحلیل قواعد و رفتارهای سیاسی موجود میان فرماندهان و فرمانبرداران اختصاص داده است و حقوق اساسی نیز، عهده دار تحلیل، بررسی و قالب بندی رفتارها و ساختارهای سیاسی موجود در یک نظام حکومتی است.

در راستای مطالعه تحلیل مبانی نظام سیاسی از مجرای حقوق اساسی، می‌توان از منابع متعددی مانند عرف و عادات سیاسی موجود در یک جامعه، قوانین و اعمال قوه مجریه، اسناد و مدارکی مانند آرا و نظریات علمای حقوق اساسی و... بهره برد، اما قانون اساسی هر کشور بهترین سند برای شناخت و تحلیل مبانی آن نظام سیاسی به شمار می‌رود، چراکه متن قانون اساسی عالی‌ترین سندی است که بیانگر میثاق ملی و مشترک میان همه افراد ملت می‌باشد، بیش از همه منابع ذکر شده نمایانگر مبانی و پایه‌های این نظام سیاسی است. مطالعه و تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این کلیت مستثناء نیست. از این رو در این جزوه کاربردی به منظور تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، به بررسی و شرح اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

ضرورت تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران^۱:

شایان ذکر است از آنجا که اصلی‌ترین بنیان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شریعت مقدس اسلام است، دقیق‌ترین تحلیل از پایه‌ها و مبانی نظام سیاسی ایران تحلیل مبتنی بر کلام و فقه اسلامی و آموزه‌های شریعت این دین الهی خواهد بود. این ضرورت از دو منظر قابل تبیین است:

اول دلیل: آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران غنی‌ترین تجربه اجتهادی و بلکه نقطه عطفی در تحولات فقهی می‌باشد. در توصیف این ضرورت باید گفت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، طرح حکومتی نوین است که پس از طی سه مرحله اساسی و مهم، مبنای حکمرانی در نظامی مبتنی بر آموزه‌های دینی قرار گرفت. این حکومت مبتنی بر ۳ رکن ذیل است:

• **رکن اول:** پذیرش ملت برای اعمال دستورهای اجتماعی و سیاسی شریعت اسلام در عرصه زندگی اجتماعی بود. تا زمانی که مردم به اجرای دستورهای اسلام در عرصه زندگی اجتماعی راضی نباشند، امکان عملی تحقق آرمان‌های اجتماعی و سیاسی شریعت وجود نخواهد داشت. از این رو پذیرش مردم شرط لازم برای اجرای دستورهای اجتماعی و سیاسی اسلام است. امیرالمؤمنین نیز در بیانی خطاب به مردم کوفه ضمن اشاره به توانمندی‌های خود در عرصه مبارزه با دشمنان دین، از نافرمانی مردم گله‌مند بودند و می‌فرمودند «فرمانده و امیری که به سخنش گوش فرا داده نشود، قدرت تدبیر نخواهد داشت.» از این رو جایگاه مردم و قبول ایشان اولین گام برای تشکیل حکومت و به تبع نگارش متنی به عنوان مبانی، پایه‌ها، اهداف، وظایف و دستورالعمل‌های حکمرانی دینی است.

و

و

و

و..... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می‌کند.

^۱ - برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

کعبی، عباس، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران(۱)، مبتنی بر اصول قانون اساسی، پژوهشکده شورای نگهبان، سال ۱۳۹۴.

بررسی تحلیلی مبانی دین رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران

آنچه ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بیش از هر چیز دیگر دنبال می‌کرد، استقرار حکومتی بر مبنای شریعت اسلام بود که برآمده از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی و گروهی نبوده و به دنبال تحقق آرمان‌های متعالی سیاسی ملتی هم‌فکر و هم‌کیش در راه تحول فکری و عقیدتی در راه رسیدن به کمال حقیقی یا همان قرب خداوند متعال می‌باشد. به بیان دقیق‌تر و به عبارت مختصر ملت ایران به دنبال ایجاد حکومتی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و استوار بر پایه‌های فقه جعفری بود. اصل ۱۲ قانون اساسی در مقام پاسخ‌گویی به این مطالبه عمومی اقدام به تبیین جایگاه دین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و اساسی‌سازی دین اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری به عنوان دین و مذهب رسمی در کشور ایران نموده است و در کنار آن به موضوع احترام کامل به سایر مذاهب اسلامی و آزادی آن‌ها در انجام مراسم مذهبی، تعلیم و تربیت دینی، احوال‌شخصیه و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها اشاره می‌نماید. به بیان دقیق‌تر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر چند به احترام کامل و آزادی سایر مذاهب اسلامی اشاره نموده است، اما جزء آن دسته از قوانین اساسی می‌باشد که به رسمیت و برتری یک دین و مذهب بر سایر مذاهب اشاره می‌نماید و علیرغم این که قانون اساسی از بین تمامی مذاهب اسلامی، مذهب جعفری اثنی‌عشری را به عنوان مذهب رسمی معرفی نموده است، ولی این کلام به معنای حذف یا اهانت به سایر مذاهب اسلامی به خصوص مذاهب حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی و زیدی نیست، بلکه این مذاهب دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان آن‌ها از حقوق متعددی برخوردارند.

و

و

و

و..... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می‌کند.

تحلیل مبانی حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران

فصل اول: مبانی و کلیات

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و رسمیت نظام جمهوری اسلامی طی فرماندوم دهم و یازدهم فروردین سال ۱۳۵۸، تدوین قانون اساسی به عنوان مهم ترین وظیفه دولت موقت، در کنار اداره کشور، مورد توجه قرار گرفت.^۱

۱- زمینه های طرح ولایت فقیه در قانون اساسی

پیش نویس اول قانون اساسی در زمان حضور حضرت امام خمینی «ره» در پاریس، توسط دکتر حبیبی و آیت ا... محمد باقر طباطبایی، که متخصص در زمینه حقوقی و فقهی بودند؛ تدوین آن را به عهده گرفتند. این پیش نویس را جمعی از حقوقدانان^۲ مورد بررسی مجدد و اصلاح^۳ قرار دادند و پس از ملاحظه مراجع و حضرت امام در اختیار شورای طرح های انقلاب قرار گرفت و بالأخره با بررسی شورای انقلاب، با ۱۵۱ اصل در قالب دوازده فصل به تصویب می رسد، و در ۲۴ خرداد ۱۳۵۸ جهت اظهار نظر مردم منتشر شد. به موجب اصل سوم و پانزدهم این پیش نویس، آرای عمومی مبنای حکومت است و حاکمیت ملی از آن همه مردم می باشد، اسلامیت نظام از طریق شورای نگهبان قانون اساسی تأمین می شود و اثری از ولایت فقیه به چشم نمی خورد.^۴

در عین حال نکته حایز اهمیت این است که حضرت امام یک روز پس از انتشار متن پیش نویس قانون اساسی در روزنامه کیهان از همه افشار، روحانیون، روشنفکران و متفکران اسلامی درخواست نمود که آن را بررسی کرده و نظر دهند: «یک ماه فرصت دارید که هر چه به نظرتان رسید که برای اسلام مفید است و موافق جمهوری اسلامی است و در این قانون توجه نشده است تذکر دهید و در روزنامه هایی که هست منتشر کنید.»^۵

در این زمان مراجع تقلید اطلاعیه هایی منتشر کردند؛ از جمله در اطلاعیه آیت الله گلپایگانی آمده است: «اگر قانون اساسی به طور کامل طبق قوانین شرع تدوین نشود و مسأله اتکای حکومت به نظام امامت و ولایت فقیه در آن روشن نشود، حکومت بر اساس طاغوت و ظالمانه خواهد بود.»^۶

و
و
و

و..... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می کند.

۱ - امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۵، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۶۹، ص ۲۷.

۲ - ناصر کاتوزیان، حسن حبیبی، محمد جعفر جعفری لنگرودی، عبدالکریم لاهیجی، ناصر میناچی و فتح ا... بنی صدر.

۳ - این شورا در پیش نویس اصلاح اندکی انجام داد از جمله، افزایش اختیارات نخست وزیر و کاهش اختیارات رئیس جمهور.

۴ - محسن، کدیور، حکومت ولایتی، تهران: نشر نی، چ سوم، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲.

۵ - امام خمینی، ج ۴، پیشین، ص ۴۳۳.

۶ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۳/۳۰.

فصل دوم: ارزش‌ها و اصول بنیادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مبحث اول: اصل مردم سالاری

قانون اساسی جمهوری اسلامی در موارد مختلف به اصل مردم سالاری یعنی احترام به رأی ملت به عنوان اساس حکومت مردم سالاری تأکید نموده است. مطابق اصل یکم «حکومت ایران جمهوری است که ملت ایران، .. به آن رأی مثبت داد». در این زمینه اصل ششم قانون اساسی صریحاً اعلام می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات؛ انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد». نکته قابل ملاحظه‌ای که در این اصل باید مورد توجه قرار گیرد، اینکه: قانون اساسی ما، حاکمیت ملی و حاکمیت مردم را بصورت توأمان پذیرفته است. زیرا که حاکمیت ممکن است توسط نمایندگان ملت یا از طریق همه‌پرسی یعنی مراجعه به آراء عمومی صورت پذیرد. قانون اساسی در کنار اصل نمایندگی یعنی مردم سالاری غیرمستقیم، اصل مراجعه به آراء عمومی را نیز می‌پذیرد و آن را به کار می‌گیرد (مردم سالاری مستقیم). چنانچه در اصل ۵۶ در این باب، مقرر می‌دارد: «هم او [خداوند] انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است» که مبین حاکمیت مردم و مردم سالاری مستقیم است. و در قسمت بعد اعلام می‌کند: «ملت، این حق خدادادی را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند». که نشانگر حاکمیت ملی و مردم سالاری غیرمستقیم است. اصول دیگری که مبین اصل مردم سالاری هستند عبارتند از: اصول ۶۲، ۱۰۰، ۱۰۷ و ۱۰۸. بنابراین، بموجب تصریح اصول فوق الذکر مشخص می‌شود که حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش، مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، اصل مردم سالاری در نظام جمهوری اسلامی از سوی موافقان و مخالفان خویش با یک سری از سؤالات، شبهات و چالش‌های فکری مواجه است که ناشی از اختلاف نظر در منشأ حاکمیت و منبع مشروعیت در نظام اسلامی است. به دلیل اینکه قانون اساسی در بحث از مبانی حاکمیت، یک ساختار دوگانه حاکمیت ملی مردمی و حاکمیت الهی را ترسیم کرده است. ابهام در این مسأله، منجر به ارائه دو نظریه مشهور از سوی اندیشمندان اسلامی به ویژه علما و فقها شده است؛ یعنی نظریه انتصاب و انتخاب، که در این راستا با پذیرش نظریه انتصاب اصل مردم سالاری اعتبار می‌یابد.

و

و

و

و..... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می‌کند.

فصل سوم: ساختار نهادهای سیاسی (شکل حکومت)

قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۵۷ به صراحت از تفکیک قوا یاد کرده است که اینک به بررسی قوای سه‌گانه در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

گفتار اول: قوه مجریه

مطابق اصل شصتم قانون اساسی «اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً برعهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهوری و وزراء است». نکته‌ای که از اصل فوق قابل استفاده است، اینکه قوه مجریه به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود:

و

و

و

و..... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می‌کند.

فصل چهارم: تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران

اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی به خوبی وضعیت و قوای حاکم را بیان داشته و اعلام نموده: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردد. این قوا مستقل از یکدیگرند».

و

و

و

و..... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می‌کند.

تحلیلی مبانی فقهی انتخاب مقام رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران

□ (۱) گفتار اول: تحلیل مبانی فقهی نظریه ولایت فقیه

نظریاتی که در خصوص ولایت فقیه وجود دارد به شرح ذیل است:

ولایت عام:

ملا احمد نراقی معتقد است که فقیه عادل در دو چیز حق ولایت دارد؛

- در مورد همه اموری که پیامبر و ائمه صاحب اختیار بوده و حق سرپرستی و ولایت داشته‌اند مگر در مواردی که استثناء شده همانند روایت، اجماع و ...
- آنچه مربوط به امور دینی و دنیوی مردم باشد توقف در این امور موجب اختلال در نظم جامعه، بروز اختلاف و فساد می‌گردد.

□ ولایت محدود:

بسیاری از فقهای شیعه امر قضاوت و اقامه حدود و تعزیرات را از حقوق نواب خاص و عام امام دانسته‌اند. شیخ انصاری موضوع ولایت را به دو صورت تصویر کرده است:

- استقلال فقیه در تصرف اموال و انفس را، از همه افراد نفی، و به عدم ثبوت آن تصریح می‌کند.
- در مواردی که تصرف متوقف به اذن امام و موکول به اذن فقیه است در آنجا که هر امر معروفی را که معلوم باشد و شارع وجود آن را خواهان است و مایل به تعطیل آن نیست اگر معلوم شود آن وظیفه شخص خاص است در هیچکدام بحثی نیست اما اگر مشکوک باشد و احتمال مشروط به نظر ولی فقیه است واجب است به فقیه رجوع شود.

شیخ نائینی مراتب ولایت را به ۳ دسته تقسیم می‌کند:

- ولایت عامی که ولایت بر نفوس است.
- ولایت در فتوا و قضا و آنچه مربوط به شؤون قضاوت است این ولایت در حق فقیه است
- اثبات ولایت عام برای فقها در امور سیاسی، اجتماعی که محل اشکال می‌باشد.

در آثار امام خمینی (ره) ۳ نظر پیرامون ولایت بیان شده است.

- در کتاب کشف الاسرار، ضمن بیان ضرورت حکومت برای همه و اینکه کسی جز خداوند حق حکومت و قانونگذاری بر کسی ندارد با استناد به اخبار و احادیث به حکومت فقیه در زمان غیبت اشاره کرده‌اند.
- احکام اسلامی تا قیامت باقی است و اجرای احکام جز از راه حکومت اسلامی امکانپذیر نیست.
- امام ولایت مطلق را پذیرفته می‌فرماید اگر فرد لایقی که دارای دو خصلت علم و عدالت باشد تشکیل حکومت دهد؛ همان ولایت رسول را در امر اداره جامعه داراست و بر مردم لازم است از او اطاعت کنند.

در شورای بازنگری قانون اساسی، «رهبری» اولین عنوان پیشنهادی برای بازنگری قرار گرفته بود. نتیجه کار شورای بازنگری بیان رسمی اصل ۵۷ و اصل ۱۱۰ می‌باشد.

و
و
و

و..... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می‌کند.

تحلیل مبانی نظری و فلسفی اصل تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران

توجه به مبانی نظری و انسان شناختی اصل تفکیک قوا به دلیل اهمیت خاص آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ از این رو در فصل پیش رو، این مبانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث اول: مبانی فلسفی و انسان شناسی تفکیک قوا در دوران مدرن^۱

به نظر می‌رسد مهم ترین دلیل و فلسفه سیر جامعه مدرن اروپایی و به تبع، اکثر نظام‌های حکومتی دنیا به سمت نظریه تفکیک قوا همان مبانی نظری و انسان شناختی ذکر شده یعنی فسادآور بودن تمرکز قدرت در نزد یک فرد یا نهاد است. اینکه آیا این پیش فرض صحیح است یا نه، مهم ترین سؤال این قسمت است. پاسخ به این سؤال در ابتدا پرسش از مبانی نظری و انسان شناختی دوران مدرن را می‌طلبد که این نظریه در بستر آن رشد نموده است. حقیقت آن است که اروپای پس از رنسانس که هر روز بیشتر به سوی مبانی اومانیزم و سکولاریسم پیش می‌رفت و از طرفی تجربه تلخ خودکامگی پادشاهان و ارباب کلیسای قرون وسطی را به شدت احساس می‌کرد، در سیر معرفتی خود لاجرم به نظریه جدایی دین و اخلاق از سیاست و حکومت منتهی شد. چرا که هم تجربه، تمرکز قدرت و اختیارات را فسادآور نشان می‌داد و هم مبانی جدید کلامی و اخلاقی جامعه اروپایی تعاریف خود را از اخلاق، معنویت و به ویژه نهاد مذهب تغییر داده بود. مذهب و بایسته‌ها و الزامات آن امری صرفاً شخصی و مختص حوزه فردی زندگی بشر محسوب می‌شد که مربوط به ارتباط بنده با خدای خود بود. لذا مسلماً تعریف سیاست و حاکمیت و از طرفی ایجاد حکومت و اعمال قانون بر پایه دین و اخلاق مذهبی - اجتماعی امری غیرقابل قبول می‌نمود. این امر البته ریشه در معارف مسیحیت و تفسیر علمای مسیحی از ارتباط امور دنیوی و اخروی یا حضور دین و دین داران در ساحت حکومت نیز دارد که در نهایت در انسان شناسی مدرن جلوه گر شده است و از مهمترین جلوه‌های آن نفی وجود و کارکرد انسان کامل و اجتماع مبتنی بر رهبر دینی است.

به هر حال نظریه انسان شناختی مدرن مسیحی - اروپایی با جهت گیری دین گریزی و اخلاق گریزی (اخلاق مدون دینی و معنوی) محور اصلی نظریه تفکیک قوا در عصر هجران دین، معنویت و معنا است. عدم امکان وجود انسانی که بتواند در برابر تمرکز قدرت‌های مادی این جهان ثابت قدم بوده و منحرف نشود، اصل اساسی این نظریه است. در اینجا انسان به طور کلی دارای این ضعف عمده تلقی می‌شود و اصولاً شاهد نفی نظری و عملی وجود انسان کامل از طرفی و نفی مذهب و مکتب قابل اعتماد هستیم و لذا تمشیت امور لاجرم باید به قوای انسان معمولی و عقاید او سپرده شود، پس تفکیک قوا با تمام مبانی معرفتی خود لازم و غیرقابل انکار می‌گردد. ریشه و تولد این نظریه به ظاهر موجه حقوقی به عنوان یک امر مطلق در تعریف حاکمیت، به تغییر نگاه دوران مدرن نسبت به انسان و هستی برمی‌گردد که موجد زندگی و تمدنی نوین بوده است و به تبع شیوه اداره حکومت و تعریف قدرت و حاکمیت را نیز تحت الشعاع قرار داده است. لذا ریشه انسان شناختی آن را باید در بایسته‌های مدرنیته و انسان مدرن پیگیری نمود.

و

و

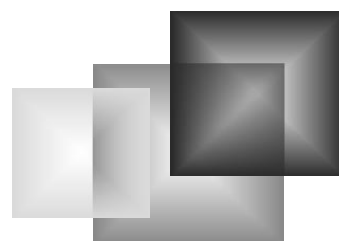
و

و.... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می‌کند.

^۱ برای مطالعه بیشتر به مقاله ذیل مراجعه کنید:

توکل حبیب زاده و اسماعیل آجرلو، نقد مبانی انسان شناختی اصل تفکیک قوا (با بررسی تطبیقی در انسان شناسی اسلامی)، پژوهشنامه حقوق اسلامی سال سیزدهم پاییز و زمستان ۱۳۹۱ شماره ۲ (پیاپی ۳۶)، صص ۹۹-۱۲۶

بخش دوم:
خلاصه جزوات و مقالات اساتید



بررسی حقوق و آزادیهای بنیادین و مبانی شکل‌گیری آن از دیدگاه حقوق عمومی

حقوق و آزادیهای بنیادین شامل مجموعه حقوق شناخته و تضمین شده توسط قانون اساسی می‌گردد. در خصوص توسعه حقوق و آزادی‌های بنیادین یک سری اتفاقات قابل ذکر است که بر اساس تقدم و تاخر قابل تقسیم بندی است. هدف از این مقاله بررسی مبانی و تحولات حقوق و آزادیهای بنیادین است. همانطور که می‌دانیم همزمان با پیشرفت جوامع و صنعتی شدن آن، طرح حقوق و آزادی‌ها شدت بیشتری یافت با این توضیح که پس از پیدایش فیلسوفانی نظیر گروسایوس، توماس هابز، جان لاک، ولتر، ژان ژاک روسو، مونتسکیو و امانوئل کانت، دیدگاه‌های نوینی درباره روابط فرد و دولت مطرح شد و از آنها می‌توان اندیشمندان حقوق و آزادی‌های بنیادین نام برد که برآیند آن حرکت به سمت تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان بود. به بیان دیگر در پس نظریات این اندیشمندان، طرح شکل‌گیری جامعه مدنی است که در این جامعه قدرت پاسخگو است و قدرت ملزم به رعایت قانون است. بنابراین در پاسخ به این سوال که چه دیدگاه‌هایی در خصوص حقوق و آزادیهای بنیادین طرح شده است؛ فرض بر این است که؛ همزمان با شکل‌گیری طبقات جدید شهری موسوم به بورژوازی یا طبقه شهرنشین باعث شکل‌گیری تحولات و حرکت‌های اجتماعی شد که نمونه بارز آن شکل‌گیری انقلابات آمریکا و فرانسه و جنبش دستورگرایی و برقراری حاکمیت قانون است. از این رو ابتدا تئوری‌ها شکل‌گرفت و سپس حرکت‌های اجتماعی.

و

و

و

و..... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می‌کند.

بخش سوم:
ضمیمه

مطلب تکمیلی:**هیات عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام**

هیات عالی نظارت بر سیاست‌های کلی نظام: این هیات "هیات عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام" با حکم مقام رهبری^۱ در مجمع تشخیص مصلحت نظام و از میان اعضای آن در سال ۱۳۹۶ تشکیل شده است.

و

و

و

و..... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می‌کند.

^۱ - این هیأت بر مبنای دستور رهبر انقلاب و تعریف وظایف جدید برای اعضا در دور جدید مجمع تشکیل شده است. هیأت مذکور برای اجرا و تحقق مبانی اصل ۱۱۰ قانون به ویژه درباره سه بند آن یعنی «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام و حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» فعالیت می‌کند، نظریات هیأت عالی نظارت در راستای انطباق قوانین با سیاست های کلی ارائه می‌شود و جنبه مشورتی برای مجلس و شورای نگهبان دارد.

^۲ - محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، در تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۹۶ و در یک نشست خبری برای اولین بار از تشکیل «هیات عالی نظارت» به «دستور رهبری» خبر داد و درباره حیطه فعالیت‌های این هیات به خبرنگاران گفت: وظایفی که ما قبلا در مجمع داشتیم به این هیات منتقل می‌شود بنابراین این هیات نقش مهم و تعیین کننده‌ای از این به بعد خواهد داشت و نهایی‌ترین مرجع رسیدگی به سیاست‌های کلی نظام خواهد بود. کارهای کارشناسی، ارزیابی‌ها و تهیه گزارش‌ها در دبیرخانه صورت می‌گیرد و بر اساس این گزارش‌ها اینکچه چه مقدار از سیاست‌های کلی نظام در سه قوه اجرایی شده است و برنامه‌ها و فعالیت‌های قوای سه‌گانه چه مقدار از سیاست‌های کلی انحراف دارد با کار کارشناسی در دبیرخانه و استفاده از مراکز پژوهشی و دستگاه‌های نظارتی کشور گزارش‌های تهیه شده را در این هیات بحث می‌کنیم و میزان انحرافات قوای سه‌گانه از اجرای سیاست‌های کلی را به قوای سه‌گانه ابلاغ می‌کنیم تا برنامه‌ها و فعالیت‌هایشان را بر اساس سیاست‌های کلی نظام اصلاح کنند و در نهایت گزارش اصلاحی‌شان را به این هیات ابلاغ کنند.

مطلب تکمیلی:

درباره مجمع تشخیص مصلحت نظام

ضرورت تبعیت زمامداران از قانون برای آن است که همه مقامات و مسئولان به جای تبعیت از تمایلات و سلیقه‌های شخصی، بر اساس ضوابط و قوانین ملی به اداره امور بپردازند. با این ترتیب، حاکمیت قانون، در عین حال در برگیرنده و برای متعهد کردن زمامداران به اجرای خواسته‌های سازمان یافته مردمی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تعیین کننده دقیق وظایف زمامداران در شعب مختلف می‌باشد.

تجربیات ده ساله اول انقلاب اسلامی، ظهور و بروز پاره‌ای بن بست‌ها، عدم تفاهم و تنش‌ها و ضرورت چاره جویی آن‌ها، زمینه‌گریز از این قانون عالی را فراهم کرد؛ مجمع تشخیص مصلحت نظام پدیده‌ای است برای اینگونه چاره جویی‌های موردی و با ابتکار و صدور فرمان مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ امام خمینی ره تأسیس گردید و در سال ۱۳۶۸ قوت قانونی یافت. این مجمع، با اختیاراتی همچون حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان (اصل ۱۱) و حل معضلات نظام (بند ۸ اصل ۱۱۰) به عنوان یک نهاد تاثیرگذار در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. مطابق اصل ۱۱۲ قانون اساسی یکی از موارد نقش رهبری در قوه مقننه «مجمع تشخیص مصلحت نظام است» که به جهت اهمیت موضوع بحث و بررسی آن لازم بنظر می‌رسد.

(۱) طرح «مصلحت نظام» و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت

قانون اساسی، اعمال قوه مقننه را به دو صورت مقرر داشته است:

***اول از طریق مجلس شورای اسلامی (اصل ۵۸)؛**
***دوم از طریق همه‌پرسی (اصل ۵۹)؛**

و

و

و

و..... در متن جزوه اصلی، ادامه پیدا می‌کند.